



امیرحسین حیدری  
آگروه فرهنگ و هنر

اگر توجه کرده باشید در چند سال اخیر، هر چندمدت یک‌بار یک اثر در پلتفرم نتفلیکس به‌اصطلاح گل می‌کند و سر زبان‌ها می‌افتد. یک‌بار «بازی ماهی مرکب»، یک‌بار «چیزهای عجیب» و یک‌بار هم «همه‌ما» و مرده‌ایم» این موقعیت را رقم می‌زند و باید گفت الحق از نظر استراتژی‌های

تبلیغاتی هم تالان خوب عمل کرده است اما این بار اثری در این پلتفرم شروع به رکوردشکنی کرده است که از خیلی جهات متفاوت از سریال‌هایی است که تاکنون از آن نام برده شد؛ سریال «نوجوانی» (Adolescence).

به‌طور کلی این سریال را از چندجهت می‌توان بررسی کرد و از آن دست مثال‌هایی است که می‌توان برای در خدمت محتوا بودن فرم از آن نام برد چون نوجوانی سریالی چهار قسمتی است که با تکنیک تک‌شات با سکانس پلان تصویربرداری شده؛

به‌عبارت دیگر هرقسمت از این سریال بدون این‌که دوربین‌کات بخورد به انتها می‌رسید، تکنیکی سخت مخصوصا در شرایطی که تعداد بازیگران و هنروران در تصویر بالاست و اولین اشتباه، آخرین اشتباه است و همه‌چیز از نو باید ضبط شود حتی اگر شما چهل دقیقه مداوم را ضبط کرده باشید و البته که استفاده از این تکنیک به خلق صحنه‌های دراماتیک بروز احساس‌های واقعی انسانی و نه نمایشی کمک شایانی کرده و مجموعاً می‌توان گفت سریال نوجوانی بیشتر به مدیوم تئاتر نزدیک شده تا

سریال یا حتی سینما.

اما همان‌طور که پیش از این هم گفته شد استفاده از این تکنیک تولید عامل اصلی دیده‌شدن سریال نیست و این داستان اثر است که مخاطبان را مجذوب خودش می‌کند و تکنیک سکانس پلان را به‌خدمت می‌گیرد و مهم‌ترین نکته، اختلاف آن با دیگر سریال‌هایی است که در سطح جهان بازدید بالایی می‌گیرند و البته این موفقیت خود می‌تواند بیداریابی باشد برای پلتفرم‌های مشابه داخلی تا در انتخاب سوزه‌ها و تولید آنها استراتژی معین و البته کاربردی را اتخاذکنند.

نوجوانی در ابتدا به‌دست استیون گراهام به عنوان

باسخی به افزایش ناگهانی جنایات خشونت‌آمیز

با چاقو در بریتانیا، از جمله قتل‌های الیان آدم‌ام و ایوا ولت،

طراحی شد. او تصمیم گرفت نمایشی خلق کند که انگیزه‌های

اَعمال خشونت‌آمیزافراطی علیه دختران توسط پسران جوان را

کاوش کند و برای این کار با جک تورن، فیلم‌نامه‌نویس، همکاری

کرد. تورن در برنامه هنری FrontRow درادیوبی‌بی‌سی ۴ اظهار

داشت که این دو نویسنده می‌خواستند «خشم مردانه را رودورو

بررسی کنند» و تأثیر شخصیت‌های عمومی مانند اندرو تیت بر

پسران را مورد کاوش قرار دهند. به همین خاطر در این مطلب

سعی می‌کنیم تا سریال چهارقسمتی نوجوانی را از سه منظر

داستان، بازی‌ها و زیرمتن آن بررسی کنیم تا به تصویری دقیق‌تر

از این سریال برسیم.

#### برده اول: قلاب ذهنی

همیشه یکی از مشکلاتی که در آثار نمایشی وجود دارد، جذب مخاطب و گیرکردن قلاب اثر در عمق ذهن مخاطب است. یعنی یک اثر باید بتواند در کمتر زمانی از شروعش، ذهن مخاطب را تهی از تمام افکار کند و او را وادار به تفکر درباره حرفی که می‌زند بکند و زمان طلایی برای این‌کار در یک سریال، فارغ از طولانی بودن، داشتن فصل‌های متعدد یا کوتاه و چندقسمتی یک‌سوم ابتدایی سریال تا نهایتاً پایان قسمت اول آن است. این

موفقیتی که سریال نوجوانی به‌دست آورده، در وهله اول مرهون

این قلاب ذهنی در عمق ذهن مخاطب است.

سریال در یک صبح ساکت و عادی در یکی از شهرهای انگلستان

آغاز می‌شود اما ورود ناگهانی و یا شاید بهتر است بگوییم

همزمان با عبور فروش فیلم سینمایی «موسی کلیم‌الله» به وقت طلوع» جدیدترین ساخته ابراهیم حاتمی‌کیا به تهیه‌کنندگی سید محمود رضوی و محصول سیمافیلم

از ۴۰ میلیارد تومان، جدیدترین تیزر این اثر رونمایی شد.

فیلم سینمایی «موسی کلیم‌الله» به وقت طلوع» که در

چهل‌وسومین جشنواره فیلم فجر با استقبال گسترده‌ای

روبه‌رو شد و بیشترین سیمرغ و مخاطب را در این دوره

### عبور «موسی کلیم‌الله» از مرز ۴۰ میلیاردی گیشه

وحشیانه پلیس به یک خانه معمولی با خانواده‌ای معمولی‌تر،

ریتم اولیه سریال را به‌هم می‌زند، مخصوصاً وقتی می‌فهمید

پلیس به دنبال پسر نوجوان خانواده به‌اتهام قتل است و این

همان لحظه‌گیرکردن آن قلاب معروف است و از لحظه به بعد،

جای این قلاب در گوشه ذهن شما دقیقه به دقیقه محکم‌تر

می‌شود و مدام سعی می‌کنید که جبهه خود را در این اتفاق

مشخص کنید. لحظه‌ای طرفدار نظریه پلیس هستید چون با

اطمینان کامل می‌گویید که مدارک بر علیه جیمی پسر خانواده

است و لحظه‌ای دیگر محو بازی اون کوپر (جیمی میلر) که

وقتی او را می‌بینید، نمی‌گذارذ باور کنید که او ممکن است یک

قاتل باشد؛ اما سرانجام پلیس با نشان دادن فیلم دوربین‌های

مدارسنه، حجت را برای همه تمام می‌کند و این پایانی بر

قسمت اول و صداالبته شعری برای ایجاد چراهای بی‌شمار

است که در ذهن مخاطب شکل می‌گیرد.

#### برده دوم: درک یک دنیای پیچیده

حال که «نوجوانی» با یک قصه درگیر کننده

و صحنه‌های احساسی فوق‌العاده

مخاطب را آماده کرده، در قسمت

دوم اصل حرف خود را می‌زند؛ چقدر

نوجوانان را می‌شناسیم؟ آنها شاید

در همین جهان خودمان

نفس بکشند و در کنار

خودمان یا حتی

خانه خودمان

قدم بزنند اما

بدون شک آن

دنیای اجتماعی

که در آن زیست

می‌کنند،

تفاوت‌های بسیاری

با دنیای نوجوانی والدین دارد

و این والدین هستند که باید

درهم‌تنیدگی‌های این دنیای

پیچیده را بفهمند تا به درک درستی

از نوجوان خود برسند.

قسمت دوم سریال نوجوانی، نه‌تنها از

نظر داستانی اپیزودی مهم به‌شمار

می‌آید بلکه می‌توان آن را در قالب فرم

(استفاده از سکانس پلان) اپیزود

طلایی این سریال قلمداد کرد.

به این دلیل که در این قسمت از

سریال دیگر بایک‌لوکیشن محدود

مواجه نیستیم و سریال در تمام

ساختمان مدرسه اعم از حیاط،

کلاس‌ها و دفتر کارکنان آن با

از جشنواره به خود اختصاص داد، از ۸ اسفندماه سال گذشته به عنوان یکی از آثار اکران نوروزی ۱۴۰۴ روی پرده سینماها رفته و با استقبال قابل توجهی از سوی مخاطبان و منتقدان مواجه شده است. بر اساس آمار سایت سمفا «موسی کلیم‌الله» به وقت طلوع» تاکنون پرفروش‌ترین فیلم غیرکمدی سال ۱۴۰۴ و دومین فیلم پرفروش اکران نوروزی امسال محسوب می‌شود و بیش از

#### سریال نوجوانی به چالش‌های هویتی در غرب می‌پردازد

# داستانی چندلایه در نوجوانی

همان دبیرستان است. درست از خلال همین گفت‌وگوی کوتاه

پدر-پسری است که باسکومب تازه می‌فهمد موضوع دنیای

نوجوانان امروزی صرفاً بحثی حول‌وحوش بازی‌های رایانه‌ای

یا چالش‌های گاه‌وبیگاه شبکه‌های اجتماعی نیست. بلکه

نوجوانان امروزه با مسائلی روبه‌رو می‌شوند و دست‌و‌پنجه نرم

می‌کنند که در حالت منطقی یک فرد بزرگسال با آنها روبه‌رو

می‌شود. به‌عنوان مثال در سریال نوجوانی، کسی که اتفاقاً

قلدری می‌کند، کیتی مقتول پرورنده است که باعث می‌شود تا

همه کلاس جیمی میلر را فردی «اینسل» (Incel) بدانند. جهت

اطلاع، اینسل یک خرده‌فرهنگ آن‌لاین است که اعضای آن خود

را کسان‌تی تعریف می‌کنند که با وجود تمایل به شریک احساسی،

قادر به پیدا کردن آن نیستند و همین یک جمله می‌تواند عمق

مسائلی که یک نوجوان ممکن است با آن درگیر باشد را نشان

دهد و صد البته نوجوان ایرانی هم به‌شکلی دیگر درگیر چنین

مسائلی است.

#### برده سوم: یک دوئل تماشایی

پس از انبوه اطلاعاتی که در اپیزود دوم سریال

«نوجوانی» درباره عالم نوجوانان به مخاطب داده

می‌شود، دوربین قسمت سوم دوباره روی جیمی

میلر متمرکز می‌شود. این‌بار دوربین در پس

یک دوئل تماشایی میان جیمی میلر و زنی

روانشناس می‌خواهد نشان دهد آیا جیمی

صرفاً کسی است که مورد ظلم قرار گرفته و

فشارهای ناشی از قلدری و نگاه سنگین

اجتماعی که در آن زیست می‌کند، او را

به‌سمت ارتکاب قتل سوق داده یا این‌که

اوپا آگاهی کامل دست به چنین جنایتی

زده است.

در جهان امروز که تمرکزکردن در

طولانی‌مدت به یکی از کارهای سخت

بدل شده، دیدن یک اپیزود پنجاه‌دقیقه‌ای از سریال

نوجوانی که تنها با دو بازیگر و در یک اتاق می‌گذرد، کاری

غیرممکن به‌نظر می‌رسد و انجام‌دادن آن شجاعت

بسیاری می‌طلبد. در قسمت سوم برایانی، یکی از

چند روانشناسی است که تاکنون با جیمی ملاقات

داشته‌اند تا سر از نیات او در بیاورند و همچنین به

دادگاه در قضاوت درست درباره این مسأله حساس

کمک کنند.

قبل از این‌که وارد این گفت‌وگوی پر از چالش شویم

بهرتر است دوباره تصویری که از جیمی در ذهن‌مان

مانده را به‌خاطر بیاوریم، چراکه در قسمت دوم هم

حضور نداشت. نوجوانی، رسیده، با چهره‌ای بیگناه

که حتی وقتی مدرک غیرقابل انکار جنایتش را هم

می‌بینید حاضر به پذیرش آن نیستید، مخصوصاً

این‌که در قسمت دوم این حقیقت بر شما آشکار شده

و مخاطب را در هیجانی مداوم غرق می‌کند، گویی خود بخشی از این تراژدی است اما قدرت

اصلی سریال در روایت چندلایه‌ان نهفته است؛ داستانی که از یک جنایت ساده آغاز می‌شود و به

کالبدشکافی جامعه‌ای می‌پردازد که نوجوانانش در گرداب خشم، طردشدگی و تأثیرات مخرب

شبکه‌های اجتماعی دست و پا می‌زنند. سریال با نگاهی بی‌پروا به مفاهیمی مانند مردانگی

سعی، فرهنگ اینسل و نقش الگوهای خطرناکی چون اندرو تیت می‌پردازد و نشان می‌دهد

چگونه این عوامل، نوجوانانی مانند جیمی میلر را به پرتگاه خشونت می‌کشانند. در پس این

روایت، خانواده میلر به‌عنوان نمادی از ناتوانی نظام سنتی تربیت در مواجهه با پیچیدگی‌های

دنیای مدرن قرار می‌گیرند؛ خانواده‌ای «عادی» که عادی بودنش فاجعه را تلخ‌تر می‌کند.



۵۰۰ هزار مخاطب داشته است. مرپلا زاری، علیرضا کمالی، بهنام تشکر، بهاره کیان افشار، فرهاد آئیش و همچنین شکب شجره، مریم سرمردی، طوفان مهردادیان، مسعود رحیم‌پور، کامبیز امینی، بهار نوحیان و بازیگران کودک، گندم شیخی و دلسا محمدی نقش‌آفرینان این فیلم هستند. فیلم سینمایی «موسی کلیم‌الله» روایتگر داستان تولد حضرت موسی (ع) است.

که جیمی صرفاً یک قلدر نبود بلکه کسی است که کیتی برای او قلدری می‌کرده. پس زمانی که با این انگاره ذهنی وارد قسمت سوم سریال می‌شوید، دیگر با یک گفت‌وگوی ساده مواجه نخواهیم بود بلکه شاهد تشکیل دادگاهی هستیم که قضاتش تک‌تک کسان‌ی هستند که آن را می‌بینند. برایانی در این گفت‌وگو سعی می‌کند بفهمد جیمی «مردانگی» را چگونه تعریف می‌کند؟ چرا وقتی «کیتی» در آسیب‌پذیرترین حالت بود به او پیشنهاد دوستی داد و چرا فکر می‌کرد تنها شانسش همان موقع است؟ اما رد سرد کیتی ظاهراً آخرین قطعه این پازل بود. این احتمالاتی از دلایل اصلی حادثه بود، به‌علاوه زورگویی‌هایی که در مدرسه تحمل می‌کرد.

در قسمت سوم سریال به روش جذابی به عمق روان جیمی می‌رویم. پس از مکالمه‌های طولانی، جیمی ناگهان می‌پرسد: «آیا تو به‌عنوان یک آدم متو دوست داری؟» و برایانی پاسخ نمی‌دهد. حتی به او می‌گوید این آخرین جلسه‌شان است و مانند یک ملاقات رسمی خداحافظی می‌کند که جیمی را عصبانی می‌کند. باز هم همان الگو: طردشدن توسط یک زن. واضح است که کنترل جیمی برای برایانی سخت بوده، چون پس از رفتن او، تیم هیماجاناتش را روی صورت برایانی می‌بینیم که نیاز به فرصتی دارد تا خودش را جمع کند. آیا این فوران‌های هیجانی ترسناک جیمی صرفاً ترکیبی از اثرات نوجوانی، زورگویی‌ها و هفت ماه حبس است؟ یا این ذات واقعی اوست؟ پسری آشفته که تصویر زشتی از خودش دارد و طردشدن‌ها روانش را تخریب کرده؟ چون حتی الان هم منتظر یک پیچش داستانی هستیم که ثابت‌کند جیمی این کار را نکرده، با این‌که می‌دانیم این‌طور نیست.

#### برده چهارم: خانواده

آنچه که پس از گذشت سه قسمت از سریال به‌طور عجیب و البته هوشمندانه‌ای کمتر از آن سخن به میان می‌آید، بحث خانواده است. وقتی صحبت از نوجوانی و مسائل مربوط به نوجوانی می‌شود، اولین مفهومی که مورد نقد قرار می‌گیرد خانواده است؛ اما سریال نوجوانی از ابتدا مسیر خود را مشخص می‌کند و به‌دنبال بیانیه خواندن و ارائه راه‌حلی واحد برای تمام مشکلات نیست، بلکه سعی می‌کند با تمام جزئیات مسأله را تشریح کند

و حالا که نتفلیکس سرمایه‌گذار و ناشر آن با ساخته‌شدن فصل دوم این سریال موافقت کرده احتمالاً باید راه‌حل را در فصل دوم آن جست‌وجو کرد.

قسمت چهارم سریال نوجوانی به خانواده جیمی می‌پردازد که پس از سیزده‌ماه از آن روز سخت، چگونه با این مسأله کنار آمده‌اند و صداالبته جامعه از چه دیدی به آنها نگاه می‌کند.

شروع قسمت با حال‌وهوایی سبک‌تر در صبح تولد ۵۰ سالگی ادی میلر است. اپیزود با حال‌وهوایی نسبتاً سبک در صبح روز تولد ۵۰ سالگی «ادی میلر» آغاز می‌شود. آنها سعی می‌کنند روز خوبی داشته باشند اما دنیای اطراف به آنها این فرصت را نمی‌دهد. مردم محله باهاون محل کار ادی را با اسپری نقاشی کرده‌اند اما این بار از رنگی استفاده شده که با آب و صابون پاک نمی‌شود. کلمه نوشته شده «nonce» است؛ یک اصطلاح بسیار توهین‌آمیز در بریتانیا که به افراد متهم یا محکوم به جرائم جنسی، به‌ویژه علیه کودکان اشاره دارد. ادی با تعجب می‌پرسد: «اصلاً این اتهام به چه‌کسی مربوط می‌شود؟»

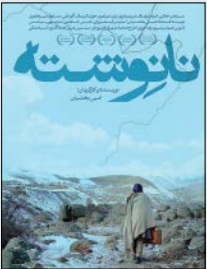
در میان این آشفتگی، لحظاتی سبک‌تر هم وجود دارد، مثل زمانی که خانواده میلر برای خرید به فروشگاه می‌روند و این فرصت به بیننده داده می‌شود تا بپویایی و ارتباطات این خانواده را ببیند. براساس گفته‌های تهیه‌کنندگان این سریال، سازندگان می‌خواستند نشان دهند این یک خانواده کاملاً معمولی است و هیچ عامل خطرناکی در خانه وجود نداشته که بر تصمیم جیمی تأثیر گذاشته باشد و این واقعیت، تراژدی رخ داده را عمیق‌تر می‌کند.

#### اکران

### روایتی از مهاجرت‌های بی‌نام

مراسم رونمایی و اکران افتتاحیه فیلم سینمایی «نانووشته» به‌کارگردانی و تهیه‌کنندگی امین بخشیان، با حضور عوامل و تماشاگران در پردیس سینمایی چارسو توسط تیزر سینمایی هنر و تجربه برگزار شد.

امین بخشیان در سخنانی کوتاه، موضوع فیلم را مهاجرت غیرقانونی عنوان کرد و گفت: «در این اثر ماجرای چند مهاجر در کشورهای افغانستان، ایران و انگلستان در قصه‌هایی جداگانه پیگیری شده است.» وی افزود که فیلم در چهار اپیزود، سفر شخصیت‌هایی از ملیت‌های مختلف از مبدأ تا مقصد را روایت می‌کند و عنوان «نانووشته» به افرادی اشاره دارد که نامشان جایی ثبت نشده و شرایط دشواری را می‌گذرانند. بخشیان تأکید کرد: «تلاش کردیم قصه مهاجران غیرقانونی را در قالب درام روایت کنیم و نشان دهیم چگونه افراد برای به‌دست‌آوردن زندگی بهتر، بسیاری از موارد انسانی را به‌اجبار از دست می‌دهند.»

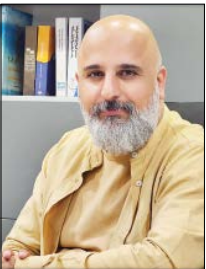


#### رویداد

### باییز شلوغ سینمایی در راه است

روابط عمومی سازمان سینمایی اعلام کرد که قرار است جشنواره جهانی فیلم فجر در آذرماه برگزار شود. مسعود نجفی، مدیر کل روابط عمومی سازمان سینمایی درباره کم‌وکیف برگزاری جشنواره جهانی فیلم فجر گفت: در

نظر گرفته شده که زمان جشنواره جهانی فجر نسبت به سال‌های گذشته تغییر کند و جشنواره جهانی فجر در پایان سال میلادی و حوالی آذر ماه برگزار شود. وی همچنین تأکید کرد: هنوز تیم سیاست‌گذاری و دبیر این جشنواره مشخص نشده اما روال برگزاری آن براساس سال‌های قبل خواهد بود و فیلم‌های ایرانی در کنار آثار بین‌المللی به نمایش درمی‌آیند. نجفی خاطرنشان کرد: پیش از یکی شدن جشنواره جهانی و داخلی فجر در دولت سیزدهم، این جشنواره به‌صورت تفکیک‌شده برگزار و فرش قرمز بخش جهانی آن در بهار هرسال پهن می‌شد. حالا، با اعلام نجفی، این جشنواره قرار است به زمستان برود و به‌دلیل نزدیکی با جشنواره داخلی فجر، سینما حقیقت و جشنواره فیلم‌های کوتاه به‌نظر روزهای شلوغی را در پاییز و زمستان ۱۴۰۴ برای سازمان سینمایی رقم بزنند.



#### یک عیادت سینمایی

همزمان با آغاز هفته هنر انقلاب اسلامی، رانند فریدزاده، رئیس سازمان سینمایی، با حضور کارگردان پیشکسوت عیادت کرد و در جریان روند درمان وی پس از ۱۳ روز بستری در ICU قرار گرفت. فریدزاده ضمن تقدیر از شورجه به عنوان یکی از سردمداران سینمای انقلاب، ابراز امیدواری کرد فیلم نیمه‌تمام «احمدبای» درباره مقاومت الجزایر به سرانجام برسد. شورجه نیز بر لزوم اتحاد اهالی سینما برای اعتلای هنر انقلاب تأکید کرد.

